هشدار سرمای قطبی در بریتانیا

با پیش‌بینی ورود یک توده هوای سرد قطبی در اوایل هفته جاری به بخش‌هایی از شمال بریتانیا، هشدار آب‌وهوایی بارش برف، سرمای شدید، یخبندان و احتمال اختلال در رفت‌وآمد برای این نواحی صادر شده است.
به گزارش ایسنا، هشدار زردِ سازمان ملی هواشناسی از نیمه‌شب سه‌شنبه اجرایی خواهد شد و مناطقی از «میدلندز»، شمال‌شرق و شمال‌غرب انگلیس، «نورث یورکشایر» و جنوب‌غرب اسکاتلند را در بر می‌گیرد. در مناطق تحت تأثیر، بارش برف بین ۱ تا ۵ سانتی‌متر پیش‌بینی شده است و این در حالی است که در ارتفاعات بالاتر از ۳۰۰ تا ۴۰۰ متر، میزان انباشت برف ممکن است به ۵ تا ۱۵ سانتی‌متر برسد. همچنین هشدارهای ایمنی در برابر سرما که توسط آژانس امنیت بهداشت بریتانیا صادر شده، تا روز پنجشنبه در شمال غربی و شمال شرقی انگلیس، یورکشایر و هامبر به قوت خود باقی است. در روزهای اخیر شمال انگلیس، اسکاتلند و ایرلند شمالی شاهد یخبندان گسترده بود و در ارتفاعات رگبارهای زمستانی مشاهده شد.

عامل خانه وحشت اعدام شد


خانه ای که زنان و دختران زندانی بودند


محل کشف جسد یکی از قربانیان

حکم عامل خانه وحشت که به اتهام قتل دختری جوان و آزار و اذیت شیطانی و محبوس کردن دختران و زنان در خانه‌اش به مرگ محکوم شده بود دیروز در زندان اجرا شد.
به گزارش خبرنگار جام جم، اسرار خانه وحشت در جنوب تهران، پانزدهم آذرماه ۱۴۰۰، وقتی فاش شد که مأموران با ورود به خانه‌ای در حوالی میدان قزوین، دو دختر جوان را که یکی از سه سال قبل و دیگری از هشت ماه قبل در آنجا زندانی بودند را نجات دادند. معلوم شد سعید با معرفی خود به‌عنوان مأمور و فریب دختران فراری در حوالی ترمینال یا راه‌آهن آنها را به خانه‌اش منتقل و با همدستی خواهرش زندانی می‌کرد. در بازرسی از خانه وی جسد نایلون‌پیچ یک دختر جوان نیز کشف شد. سعید متهم پرونده مدعی بود دو دختری که در خانه‌اش زندانی بودند به خواسته خودشان در آنجا حضور داشتند و دختری که در خانه‌اش به قتل رسیده نیز توسط همان دو دختر، کشته شده است.
چون در ادامه تحقیقات مشخص شد دو دختر نجات یافته از خانه وحشت قاتل دختر جوان نبودند، آزاد شدند. تحقیقات نشان داد دختران دیگری هم آنجا زندانی بودند که موفق به فرار شدند. ماموران با بررسی سوابق کیفری سعید متوجه شدند او چند سال قبل دختری را به این خانه آورده بود اما در جریان درگیری و هل دادن، سر دختر با دیوار برخورد می‌کند و جان می‌بازد. مرد جوان پس از محاکمه از اتهام قتل عمدی تبرئه و به دیه و زندان محکوم شده بود.
کارآگاهان پی بردند دختر کشته شده ساکن مشهد بوده که خانه‌اش را ترک کرده اما به دام سعید افتاده و توسط او به قتل رسیده بود. پرونده این متهم در دو بخش در دادگاه کیفری یک استان تهران رسیدگی و متهم محاکمه شد. او بابت قتل حکم قصاص و بابت تجاوز به دختران و زنان جوان حکم اعدام گرفت. این زندانی روز بیست و دوم مهرامسال در زندان قزلحصار کرج پای چوبه دار رفت اما در واپسین لحظات توبه‌نامه‌ای در قالب نامه در اختیار مسئولان اجرای احکام دادسرای جنایی تهران قرار داد. همین باعث شد برای بررسی این توبه نامه به او فرصتی داده شود. به این ترتیب حکم وی متوقف و زندانی به سلول بازگردانده شد. او که امید داشت شاید با نوشتن این توبه‌نامه بتواند راهی برای فرار از مجازات مرگ پیدا کند اما مسوولان قضایی خواسته او را رد کردند و وی مشمول عفو و بخشودگی قرار نگرفت؛ بنابراین این زندانی سحرگاه دیروز چهارشنبه برای اجرای حکم به محوطه زندان قزلحصار کرج انتقال یافت. وی با گام‌های لرزان به محل اجرای حکم می‌رفت و با التماس وگریه می‌خواست حکم را اجرا نکنند اما حکم به اجرا درآمد.



شوهرکشی زن عصبانی



زن میانسال در جریان درگیری با شوهرش، او را با ضربه چاقو به قتل رساند و با صحنه‌سازی قصد فرار از مجازات را داشت.
به گزارش خبرنگار جام جم، روز بیست‌وپنجم آبان امسال یکی از ماموران کلانتری رازی در تماس تلفنی با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران، او را در جریان مرگ مشکوک مردی ۵۸ ساله در یکی از بیمارستان‌های تهران قرار داد. با تحقیقات اولیه مشخص شد مرد ۵۸ ساله روز ۱۵ آبان امسال از ناحیه شکم مورد اصابت ضربه چاقو قرار گرفته و زخمی و از سوی خانواده‌اش در بیمارستان بستری شده اما با وجود تلاش پزشکان بعد از ۱۰ روز بستری بودن فوت کرده است.
با توجه به مشکوک بودن مرگ او، ماموران به تحقیق از همسر و دختر وی پرداختند. دختر جوان مدعی بود از ماجرا خبر نداشته و در تماس مادرش متوجه بدحال شدن پدرش شده است.
همسر متوفی نیز در تشریح ماجرا گفت: شوهرم روز حادثه از خانه بیرون رفت و بعد از ۱۵ دقیقه که بازگشت، از ناحیه شکم زخمی شده و در آشپزخانه افتاد. هر چه به او گفتم چرا این بلا سرت آمده، جواب درستی نداد و فقط از من می‌خواست او را به بیمارستان برسانم.
ماموران به خانه آنها اعزام شده و در بازرسی از آنجا یک چوب‌دستی خون‌آلود یافتند. همین باعث شک پلیس جنایی شد. آنها از همسایه‌ها تحقیق کردند و پی بردند این زوج با هم اختلاف و درگیری‌هایی داشتند. آن روز مادر و دختر خانواده در خانه حضور داشتند و صدای مشاجره این زوج میانسال را شنیدند.
بنابراین با هماهنگی قضایی، این زن میانسال به‌عنوان مظنون بازداشت شد و ظهر روز چهارشنبه بیست‌وهفتم آبان امسال به قتل شوهرش اعتراف کرد و در تشریح ماجرا گفت: من و شوهرم با هم اختلاف و درگیری‌های زیادی داشتیم. حتی سر مسائل مالی هم به مشکل برخوردیم. او خیلی حساس بود و به همه چیز گیر می‌داد. مجبور بودم به خاطر دخترمان همیشه کوتاه بیایم. آن روز جر و بحث‌مان شد. دخترم هم در خانه حضور داشت. دعوا و بگومگوهای‌مان شروع شد و دخترم از ما می‌خواست که کمتر دعوا کنیم. در جریان این دعوا او به من فحاشی کرد که عصبانیتم بیشتر شد و روانم را به‌هم ریخت. سمت آشپزخانه رفتم و با برداشتن چاقو ضربه‌ای سمت شوهرم انداختم که به شکم وی خورد.
متهم به قتل ادامه داد: دخترم را صدا زدم که با دیدن پدر زخمی‌اش شوکه شده بود، بعد هم زنگ زدیم اورژانس و او را به بیمارستان رساندیم. ۱۰ روزی بستری بود اما بعد فوت کرد. باور کنید قصد قتل شوهرم را نداشتم. آن‌قدر ترسیده بودم که تصمیم گرفتم ماجرا را پنهان کنم و به دروغ بگویم او بیرون رفته و با فرد دیگری درگیر شده است.
سرهنگ مرتضی نثاری، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ با تایید این خبر به جام‌جم گفت: زن میانسال به اتهام شوهرکشی در بازداشت به‌سر می‌برد و تحقیقات از وی ادامه دارد.

کوتاه از حوادث

شهادت ۲ مرزبان در بانه

فرمانده مرزبانی استان کردستان از شهادت دو مرزبان در نوارمرزی شهرستان بانه خبر داد.
سردار احمدرضا حاتمی به ایسنا گفت: ستوان‌دوم ابوالفضل فخام، از کارکنان پاسگاه مرزی دونیس هنگ مرزی بانه، هنگام انجام مأموریت کنترل و پایش نوار مرزی و سرکشی به عوامل گشت و کمین، بر اثر واژگونی خودرو در مسیر کوهستانی و صعب‌العبور منطقه به شهادت رسید.
وی افزود: این مرزبان به همراه جمعی از کارکنان مرزبانی، پس از دریافت تجهیزات و امکانات مورد نیاز، برای پایش نوار مرزی و بررسی وضعیت عوامل گشت و کمین به حوزه استحفاظی اعزام شده بود که به دلیل شرایط دشوار جغرافیایی، لغزندگی و صعب‌العبور بودن مسیر، خودروی حامل آنها واژگون شد و ستوان‌دوم فخام فوت کرد.
فرمانده مرزبانی استان کردستان در ادامه از شهادت امیرمهدی کیانفر، سرباز وظیفه پاسگاه سیف گروهان مرزی بسطام هنگ مرزی بانه نیز خبر داد و گفت: این سرباز هنگام انجام مأموریت گشت و کمین، کنترل و پایش نوار مرزی و تأمین امنیت منطقه، در جریان درگیری با گروه‌های مسلح ناشناس به شهادت رسید.

مرگ ۲ ماهیگیر در انزلی

سخنگوی اورژانس گیلان از غرق شدن سه ماهیگیر در حسن‌رود انزلی خبر داد و گفت: دو نفر جان باختند و ادامه عملیات جست‌وجو برای یافتن فرد مفقود ادامه دارد. علیرضا پورسان در گفت‌وگو با مهر اظهار کرد: در پی اعلام گزارشی درباره غرق شدن سه ماهیگیر در منطقه حسن‌رود، نیروهای امدادی اورژانس استان گیلان به محل حادثه اعزام شدند.
وی افزود: براساس اطلاعات اولیه، در این حادثه دو نفر از ماهیگیران که مردانی ۳۰ و ۴۰ ساله بودند، جان خود را از دست دادند و یک نفر دیگر همچنان مفقود است. تلاش‌ها برای یافتن ماهیگیر سوم همچنان از سوی نیروهای عملیاتی ادامه دارد.

قتل خواهر به دست برادر

پسر جوان که خواهرش را به قتل رسانده و در روستا مخفی شده بود، بازداشت شد. سرهنگ محمود حافظی، رئیس پلیس آگاهی استان فارس به سایت پلیس گفت: ۲۱ آبان امسال از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ جسد دختری ۱۹ ساله در روستای کودیان شهرستان شیراز کشف و به پلیس اعلام شد. مأموران در بررسی اولیه و تحقیق از اهالی محل و خانواده متوفی، فهمیدند پسر ۲۱ ساله بر سر اختلاف خانوادگی با خواهر خود مشاجره و سپس وی را با سلاح سرد به قتل رسانده است. قاتل فراری ساعاتی بعد در مخفیگاهش در همان روستای کودیان شناسایی و دستگیر شد.

قتل مادر و دختر ۳ ساله پشت پرده گازگرفتگی

خاطره جنایی

این هفته پرونده قتل مادر و دختری را از زبان یک کارآگاه پلیس روایت کرده‌ایم

سال‌ها قبل به‌عنوان کارآگاه ویژه قتل در پلیس آگاهی خدمت می‌کردم. یک روز تلفن کشیک قتل زنگ خورد و مأمور کلانتری از مرگ مشکوک زن ۳۰ ساله و دخترش خبر داد. مأمور کلانتری گفت که مادر و دختر به علت گاز گرفتگی فوت کردند اما موضوع مشکوک است. سریع به همراه تیم تشخیص هویت به محل حادثه رفتیم.
یکی از بستگان قربانیان در محل حضور داشت و مدعی شد به درخواست همسر سحر، به مقابل خانه آنها مراجعه کرده است. همسر سحر در تماس تلفنی با خانه ما عنوان کرد که سحر پاسخگوی تماس او نیست و به‌دلیل شغلش، اکنون در خارج از تهران است و از من خواهش کرد تا به منزلش مراجعه کنم.
پس از مراجعه به مجتمع مسکونی محل زندگی آنها، چند بار زنگ واحدشان در طبقه دوم را زدم اما کسی پاسخگو نبود و یکی از همسایگان در ورودی را برایم باز کرد. این شاهد عینی تأکید کرد: زمانی که پشت در آپارتمان رسیدم متوجه بوی شدید گاز از داخل خانه شدم، چند بار محکم به در چوبی خانه ضربه زدم و سحر و دخترش را صدا کردم اما آنها پاسخگو نبودند و در نهایت با حضور سایر اهالی مجتمع در محل، با آتش‌نشانی تماس گرفتیم و دقایقی بعد مأموران در محل حاضر شدند و وقتی در را باز کردند با جسد مادر و دختر کنار هم و شیلنگ پاره شده گاز روبه‌رو شدیم.
پس از اظهارات این زن، چرخی در خانه زدم، شواهد و دلایل اولیه همگی حکایت از آن داشت که مادر و دخترش به علت پارگی شیلنگ بخاری دچار مرگ ناشی از گازگرفتگی شدند اما تیم تشخیص هویت اعلام کرد که مشخص است شیلنگ گاز به‌صورت عمدی دچار پارگی شده است.
اجساد را به پزشکی قانونی انتقال دادیم. دو روز بعد پزشک قانونی اعلام کرد مادر و دختر بر اثر فشار وارد‌شده بر مجاری تنفسی و رگ‌های گردن خفه شده‌اند و گازگرفتگی علت مرگ‌شان نبوده است.
با روشن شدن وقوع قتل، پرونده رنگ جنایی گرفت. می‌دانستم قاتل آشناست و هیچ ردی از ورود با خشونت هم در صحنه جنایت نبود اما سرنخی نداشتیم. از آنجا که روزنامه‌ها خبر را به‌عنوان گازگرفتگی منتشر کرده بودند، از بازپرس خواستم که هیچ خبری منتشر نشود تا بتوانم رد قاتل را به‌دست آورم و همه فکر کنند سارا و دخترش به علت گازگرفتگی فوت کرده‌اند. می‌دانستم لو رفتن قتل، می‌تواند قاتل را فراری دهد.
همسر مقتول به تهران آمده بود و از او خواستم به اداره ویژه قتل بیاید. مرد جوان پس از حضور در اداره گفت: برای مأموریت کاری به مسافرت رفتم. به واسطه نوع شغلم هر بار که به مسافرت می‌روم چندین روز در خانه نیستم و به همین علت مقدار قابل‌توجهی پول نقد در خانه می‌گذاشتم تا مشکل مالی برای خانواده‌ام ایجاد نشود. فردای رفتنم به مسافرت با همسرم تماس گرفتم اما او پاسخگو نبود، در نهایت با یکی از بستگان همسرم تماس گرفته و از او خواهش کردم تا برای پیگیری موضوع به در خانه‌مان برود. پس از آن متوجه مرگ همسر و دختر سه ساله خود شدم.
از او در مورد گم شدن یا سرقت پول و طلای داخل خانه پرسیدم که گفت: پس از بازگشت به خانه متوجه شدم که طلا و جواهرات همسرم به همراه پول نقدی که داخل خانه گذاشته بودم، نیست.
با حرف‌های پدر خانواده مطمئن شدم که جنایت به قصد سرقت انجام شده است. با توجه به این‌که سارا به‌دلیل شغل همسرش و برای ادامه زندگی به‌تازگی به تهران آمده و اعضای خانواده و بستگان او و همسرش در شهر دیگری سکونت داشتند، برای ادامه تحقیقات به زادگاه سارا رفتم.
پس از تحقیق مختصری از خانواده‌اش، متوجه شدم اعضای خانواده فکر می‌کنند مادر و کودک بر اثر گازگرفتگی فوت کرده‌اند.
چند ماهی از وقوع جنایت گذشته بود و هیچ مظنون یا سرنخی نداشتیم، اما باید در میان آشنایان به‌دنبال قاتل وی می‌گشتم. تمام شواهد پرونده نشان می‌داد، قتل از سوی یک آشنا رخ داده است.
با وجود گذشت این مدت، هیچ سرنخی نداشتم تا این‌که به لطف خدا متوجه شدم مرد جوانی از بستگان سارا، وضع مالی‌اش یکباره خوب شده است. بررسی بیشتر نشان داد او هنگام وقوع جنایت به تهران آمده و در نزدیکی خانه مقتولان نیز دیده شده است. همین سرنخ کافی بود تا شبانه راهی خانه این مرد ۳۰ ساله شوم و او را دستگیر و به تهران بیاورم. او ابتدا منکر قتل بود، اما سرانجام سکوتش را شکست و پس از اعتراف به قتل گفت: به‌دلیل محدودیت شدید مالی دچار مشکلات زیادی شده بودم، اما اطلاع داشتم که سارا و همسرش نیز به تهران آمده و وضعیت مالی آنها نیز به‌واسطه شغل همسرش خوب است. به قصد گرفتن پول به خانه آنها مراجعه کردم و وقتی سارا با تعارف مرا به داخل دعوت کرد، متوجه شدم همسرش به مسافرت رفته و دخترشان نیز داخل اتاق خوابیده است. پس از گذشت چند دقیقه، موضوع مشکلات مالی خودم را مطرح و در ادامه درخواست مقداری پول کردم، اما برخلاف انتظار، او گفت که این مبلغ را نمی‌تواند در اختیارم بگذارد. ناامید شده بودم که متوجه بسته پول و همچنین جعبه طلا و جواهرات داخل یکی از اتاق‌ها شدم.
مرد خونسرد ادامه داد: تصمیم گرفته بودم تا به هر شکل ممکن پول مورد نیاز خودم را تهیه کنم. با پیدا کردن پارچه‌ای اقدام به خفه کردن سارا کردم که در همین زمان دخترش از اتاق بیرون آمد و مرا دید؛ از روی ترس شناسایی شدن توسط دختر و دستگیری، او را نیز خفه کردم.
متهم در ادامه درباره نقشه‌اش برای گمراه کردن پلیس گفت: پس از برداشتن پول و طلاها، شیلنگ گاز بخاری را به‌عمد پاره کردم تا با انتشار گاز در خانه، احتمال وقوع انفجار مطرح شود و مرگ مادر و دختر یک حادثه به نظر برسد. سپس خانه را ترک کردم.
او تصور می‌کرد نقشه‌اش موفق بوده است. به گفته خودش، روز بعد از طریق بستگان متوجه شده بود انفجاری رخ نداده و همه مرگ مادر و کودک را ناشی از گازگرفتگی می‌دانند. از آنجا که کسی حضور او را در خانه ندیده بود و تصور می‌کرد پلیس هم علت مرگ را گازگرفتگی تشخیص داده، به زندگی عادی‌اش بازگشته بود؛ غافل از این‌که راز جنایت سرانجام فاش خواهد شد.
با اعترافات متهم، راز قتل مادر و دختر سه‌ساله برملا شد. از یک سو، فکر کردن به سرنوشت تلخ سارا و کودک بی‌گناهش و زندگی خانواده‌ای که با این جنایت از هم پاشیده بود، آزارم می‌داد و از سوی دیگر، از این‌که توانسته بودم پس از ماه‌ها تحقیقات، پرده از راز این قتل برداریم، احساس رضایت داشتم.
هنوز هم معتقدم اگر دقت و هوشیاری همکارانم در تیم تشخیص هویت و پی بردن به عمدی بودن پارگی شیلنگ گاز نبود، شاید این جنایت هیچ‌وقت فاش نمی‌شد. گاهی یک جزئیات کوچک در صحنه جرم می‌تواند مسیر یک پرونده را تغییر دهد و قاتلی را که تصور می‌کند همه چیز را پنهان کرده، به دام بیندازد.

